

گفتاره های چهار گانه لکان

لاکان ارتباط با غیر را به چهار دسته تقسیم می کند. گفتمان (مقال) قدرت یا خدایگان و بنده، گفتمان دانش یا معلم و متعلم، گفتمان هیستریک و مخرب و انتقام جو و بالاخره گفتمان روانکاوانه. آن سه تایی اول مبتنی بر نوعی برتری طلبی و تحمیل یک طرفه خواست خود هستند و این چهارمی مبتنی بر تعامل و تلفیق و داد و ستد مثبت دارایی و جنبه های مثبت وجودی یکدیگر که مبتنی بر نفع طرفین معامله است. با اندکی مسامحه می توان این چهار دیسکورس را دیسکورس های زور، تحقیر، انتقام و تعامل (ارتباط) نامید. یک دیسکورس هم گفتمان "روکم کنی" است که با هر سه گفتمان اول رابطه دارد. که می توان آن را دیسکورس نفرت هم نامید. ضمناً دیسکورس زور و انتقام دو روی یک سکه اند و به باز تولید یکدیگر در یک دایره بسته و چرخه بی پایان و یک دور باطل خشونت کمک می کنند. در یک تقسیم بندی کلی تر می توان همه ی دیسکورس ها را به دو دیسکورس عشق و نفرت تقییل داد. سه دیسکورس نخست لکانی، از مقوله ی فصل و نفرتند و گفتمان (مقال) چهارم از مقوله ی عشق و وصل.

فرق گفتمان روانکاوی با سه گفتمان دیگر این است که رابطه روانکاو و بیمار رابطه ای تحکم آمیز و آمرانه نیست؛ رابطه ای برابر است. این روانکاو نیست که به منزله ی یک قهرمان، بیمار را نجات می دهد بلکه او به مثابه یک مدیوم در جریان یک دیالوگ سقراط گونه، نقش یک مدد کار را بازی می کند یا نقش یک ماما را که به تسهیل زایمان یاری می رساند. خود عمل زایمان و حل مسئله با شخص بیمار است. بنابراین بیمار روانکاو را به عنوان یک دوست می پذیرد و از آن طرف روانکاو به نوبه خود از بیمار چیزهای جدیدی می آموزد که نه تنها به درد حرفه اش بلکه چه بسا به درد زندگی شخصی خودش هم بخورد.